

بررسی دیدگاه مدرسان، کارشناسان و مدیران مدارس

درباره استفاده از معلمان زن در آموزش به دانش آموزان پایه‌های اول تا سوم مدارس ابتدایی پسرانه

علیرضا فراهانی*

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی

احمد رضا نصر

استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

سید مصطفی شریف

استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

چکیده

پژوهش حاضر به ارزیابی آموزش معلمان زن به دانش‌آموزان پایه‌های اول تا سوم مدارس ابتدایی پسرانه اقدام کرد. برای اجرای این پژوهش از روش توصیفی - پیمایشی استفاده شد. جامعه آماری شامل مدیران مدارس ابتدایی، کارشناسان و مدرسان مراکز تربیت معلم شهر قم در سال تحصیلی ۸۸-۸۷ بود. برای انتخاب نمونه مدیران، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم و برای تعیین نمونه کارشناسان و مدرسان از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. در این زمینه دیدگاه‌های ۱۶۲ مدیر و ۲۰ کارشناس و مدرس مراکز تربیت معلم، دارای سوابق درخشان آموزشی، تجزیه و تحلیل شد. روایی سؤال‌های پرسشنامه و مصاحبه توسط ۷ نفر از استادان علوم تربیتی و ۴ نفر از دانشجویان دکتری این گروه تأیید شد. پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵ برآورد شد. نتایج حاصل از پرسشنامه با استفاده از نرم افزار آماری SPSS، در دو سطح توصیفی و استنباطی، و مصاحبه با استفاده از روش مقوله‌بندی تجزیه و تحلیل شد. نتایج حاکی است، به دلیل فاصله گرفتن دانش‌آموزان سال اول از کانون گرم خانواده (به عنوان اولین تجربه) برای برآورده کردن نیازهای عاطفی و پیشرفت تحصیلی آن‌ها، استفاده از معلمان زن می‌تواند برای تدریس به پسران بسیار سودمند باشد. درباره دانش‌آموزان پایه دوم در حد امکان همانند پایه اول از معلمان زن استفاده شود، اما درباره دانش‌آموزان پایه سوم به دلیل نقش الگویابی جنسیتی دانش‌آموزان تا حد امکان از معلمان زن کمتر استفاده شود.

کلید واژه‌ها

معلمان ابتدایی، معلمان زن، مدارس ابتدایی پسرانه

مقدمه

آموزش از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه است. شواهد جهانی حاکی از آن است که آموزش در نوین‌سازی عرصه‌های رفتاری، نگرشی، برنامه‌ای و بهبود کیفیت زندگی انسانی نقشی مهم را ایفا می‌کند (سها، ۱۳۸۰). آموزش حق مسلم انسان‌ها و ابزاری در جهت توانمند کردن آن‌ها در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی است. مشارکت فعال زنان در امر آموزش نشانه‌ای از توسعه‌یافتگی کشورها و تعهد آن‌ها به ایجاد برابری و توانمندسازی نیمی از جمعیت جامعه است (مهران، ۱۳۸۵، ص ۶۱). از اصول توسعه آن است که شرایط توسعه برای همه افراد فارغ از جنس، طبقه، نژاد و قومیت به‌طور برابر فراهم آید (ظهره‌وند، ۱۳۸۵، ص ۱۴۹). در حال حاضر شاخص توسعه جنسیتی از شاخص‌های مهم در توسعه‌یافتگی هر کشوری به شمار می‌رود و بی‌گمان، افزایش مشارکت زنان در امر آموزش، زمینه‌های مناسب را برای دستیابی به توسعه پایدار فراهم خواهد ساخت (دبیری اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۵۰).

امروزه آموزش و پرورش از طریق ایفای نقش در بازدهی سرمایه انسانی، بهبود جامعه‌پذیری افراد، افزایش مشارکت در اداره امور و افزایش کیفیت زندگی، فرایند توسعه را در کشور تسهیل می‌کند (عظیمی، ۱۳۷۸). سال‌هاست که کشورهای در حال توسعه گام‌های بلندی برای افزایش کیفی سیستم آموزش و پرورش خود برداشته‌اند. آن‌ها به این باور رسیده‌اند که هر بهبود جالب توجه در وضعیت پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان به‌طور فزاینده‌ای به کیفیت آموزشی برمی‌گردد که از طرف معلمان اعمال می‌شود. معلم، گذشته از مسئولیت آموزش، راهنما و یاور کودکان محسوب می‌شود، او برای دستیابی به اهداف تعلیم و تربیت باید از تمام وجود خود مایه بگذارد. او باید در کلاس فضایی ایجاد کند که کودکان در آن احساس اطمینان و امنیت کنند و در نتیجه محیطی پر بار را برای یادگیری به‌وجود آورد. همانند دیگر حوزه‌های پژوهش‌های تربیتی، پژوهش‌های فراوانی درباره شخصیت و ویژگی‌های معلم وجود دارد. واشبورن و هیل^۱ (۱۹۶۰) گزارش دادند که «معلمان مقادیر متفاوتی از پیشرفت تحصیلی را در انواع مختلفی از شاگردان سبب می‌شوند» (کریمی، ۱۳۷۳،

-
1. Saha
 2. Washburne & Heill



ص ۱۰۳). کومبز^۱ معلم کارآمد را این‌گونه تعریف می‌کند: انسانی منحصر به فرد و کارآزموده که از وجود خود به طرزی بایسته بهره می‌جوید تا از طریق تعلیم دیگران به اهداف خود و جامعه خود دست یابد (به نقل از صفاری، ۱۳۷۳). در همین رابطه بوکاتکو و دهلر^۲ (۱۹۹۵) و المور و لاپینت^۳ (۲۰۰۵) عقیده دارند که گرمی و صمیمیت که اغلب به صورت نشان دادن علاقه و اهمیت قایل شدن برای دانش‌آموزان در نظر گرفته می‌شود و یک خصیصه زنانه است، در یادگیری دانش‌آموزان تأثیر مثبت دارد. مطالعه کارایی معلم اغلب شامل متغیرهای جمعیت‌شناختی به‌ویژه تمایزات جنسی به صورت خصایص مردانه یا زنانه^۴ طبقه‌بندی شده است. هریس^۵ (۲۰۰۵) صفات مردانگی را به صورت «اطمینان به خود^۶»، «مستقل^۷»، «عینی^۸»، «منطقی^۹» و «جسور^{۱۰}» بر می‌شمرد. در حالی که صفات زنانگی را به صورت «آگاه و مطلع^{۱۱}»، «با ظرافت^{۱۲}»، «منفعل^{۱۳}»، «حساس به احساس دیگران^{۱۴}» و «دلوایس دیگران بودن^{۱۵}» ذکر می‌کند. در توصیف دیگری از صفات مردانگی و زنانگی، رابین^{۱۶} (۲۰۰۲) خصوصیات مردانه بودن را به صورت «منطقی»، «فعال بودن^{۱۷}» و استفاده کردن از سبک اجتماعی «رک و پوست‌کنده^{۱۸}» ذکر می‌کند و خصوصیات زنانه را به صورت داشتن «مهارت‌های اجتماعی خوب^{۱۹}» و

-
1. Combs
 2. Bukatko & Daehler
 3. Elmore & Lapoint
 4. Masculine or Feminine
 5. Harris
 6. self-confident
 7. independent
 8. objective
 9. logical
 10. aggressive
 11. aware
 12. tactful
 13. passive
 14. sensitive feeling
 15. showing concern for other
 16. Rubin
 17. active
 18. using straight forward social style
 19. good social skills

نشان دادن «حمایت‌های عاطفی و گرمی» شمرد. باید اذعان کرد قسمت عمده یادگیری‌های دانش‌آموزان در مدارس از طریق مشاهده رفتار معلمان آنها انجام می‌شود. این الگودهی معلم همچنین می‌تواند در زمینه عواطف و احساسات معلم انجام شود. یعنی معلمان می‌توانند در کلاس درس یا محیط اجتماعی مدرسه به منزله الگوهایی در شکل‌دهی عواطف دانش‌آموزان باشند (مفیدی، ۱۳۷۲). در این راستا معلمان دبستان به‌خصوص سال‌های اول و دوم حساسیت خاصی دارند. برای اینکه معلمان این نقش الگودهی را در زمینه عواطف به نحو مطلوب ایفا کنند باید برای کودکان محیطی گرم و صمیمی فراهم آورند، یعنی علاوه بر آشنا کردن کودکان با روش‌های درست یادگیری، کودکان را بشناسند و با هر یک از آنها روابط مثبت و صمیمی برقرار کنند. پژوهش‌گران زیادی وجود دارند که معتقد هستند گرمی و صمیمیت معلم یکی از متغیرهای مهم تأثیرگذار، برکارایی معلم و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز است. آنها اظهار می‌دارند: «اگر معلمان گرم و انعطاف‌پذیر باشند و به آرامی دانش‌آموزان را منضبط کنند، دانش‌آموزان نیز احساسات خود را بیشتر بیان می‌کنند و هم به راحتی در بحث‌های کلاسی شرکت می‌کنند و احساس استقلال می‌کنند» (یاسایی، ۱۳۸۲، ص ۴۸۶). لذا پژوهش حاضر با توجه به اهمیت و جایگاه دوره ابتدایی و نقش معلمان این دوره در شکل‌گیری و رشد و تکامل دانش‌آموزان، درصدد بررسی دیدگاه مدرسان، کارشناسان و مدیران درباره آموزش معلمان زن به دانش‌آموزان پسر پایه‌های اول تا سوم مدارس ابتدایی بود.

در خصوص نقش معلم و تأثیر آن بر دانش‌آموزان پسر، نقش جنسیتی معلمان تأثیر به‌سزایی دارد. جعفری (۱۳۷۲) پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر زنانه شدن کادر مدارس ابتدایی بر الگویابی جنسیتی پسران سال اول راهنمایی شهر ورامین» انجام داد. یافته‌های این مطالعه نشان داد: دانش‌آموزانی که حداقل سه سال در دوره ابتدایی آموزگار زن داشته‌اند نسبت به دانش‌آموزانی که سه سال معلم مرد داشته‌اند ویژگی‌ها و صفات زنانگی بیشتری از خود نشان داده‌اند. محمدی (۱۳۷۳) در پژوهشی با عنوان «مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر دارای معلم مرد با دانش‌آموزان پسر دارای معلم زن در پایه دوم دوره ابتدایی شهرستان بوشهر انجام داد. نتیجه حاصل از پژوهش بیان‌کننده این بود که دانش‌آموزان پسر دارای معلم زن در پایه دوم از نظر پیشرفت تحصیلی با دانش‌آموزان پسر دارای معلم مرد، تفاوت معناداری

1. warmth and emotional support



داشتند. به این صورت که دانش‌آموزان پسر دارای معلم زن، پیشرفت تحصیلی بهتری داشتند. همچنین پژوهش‌گران اظهار می‌کنند که نقش مادر در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی به‌حدی زیاد است که فقدان یا حضور پدر خیلی اهمیت ندارد و عوامل دیگری در این رابطه مؤثر هستند (مک‌وندی و همکاران، ۱۳۷۲). احمدی نژاد (۱۳۷۲) در پژوهشی، با عنوان «پیامدهای تربیتی ناشی از زنانه شدن کادر مدارس ابتدایی پسرانه» در شهر اصفهان در نمونه کوچکی (دو دبستان) در پایه پنجم انجام داد، نتیجه گرفت میانگین نمره‌های ریاضی دانش‌آموزان پسر با آموزگاران مرد بالاتر از میانگین نمره دانش‌آموزان پسر با آموزگاران زن است. پژوهشگر سپس نتیجه‌گیری کرد که چون کودکان پسر ساختارهای روانی متمایزی نسبت به کودکان دختر دارند این تفاوت‌ها در مواجهه با معلمان مرد، بهتر شکل منطقی و صحیح به خود خواهد گرفت و از همه مهم‌تر وارد شدن زنان در مسائل گوناگون کودک (پسر) مشکلاتی را به بار خواهد آورد.

مطالعات نشان می‌دهد که جنسیت معلم به‌عنوان عامل بسیار مهم بر شماری از رفتارهای دانش‌آموزان از جمله در پیشرفت تحصیلی آن‌ها، تأثیر مقبول و چشم‌گیری را داشته است (فالزون و بورگ^۱، ۲۰۰۴). اگر چه پژوهشگر درباره به‌کار گرفتن معلمان مرد یا زن در دوره ابتدایی اختلاف نظر دارند، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد معلمان زن در دوره ابتدایی و در سال‌های اولیه تحصیل جو مثبت و مساعدی برای دانش‌آموزان فراهم می‌کنند که این امر، یادگیری و پیشرفت تحصیلی آن‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (آندرسون^۲، ۲۰۰۱).

تامپسون^۳ به مطالعه‌ای اشاره دارد که به‌موجب آن گرمی و صمیمیت معلم به رشد تعدادی خصایل در دانش‌آموزان منجر می‌شود و آن خصوصیات به نوبه خود موجبات پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز را فراهم می‌کند. او دریافت کودکانی که تحت آموزش معلمان گرم و صمیمی قرار گرفته بودند، وقتی با صحنه‌های شکست مواجه می‌شوند بیشتر فعال و پویا هستند و بیشتر تمایل دارند که در فعالیت‌های کلاسی شرکت کنند (کانگر و کیگان^۴، ۲۰۰۳). در همین زمینه ماسن و همکاران (۱۹۷۴) اظهار می‌دارند دانش‌آموزان ابتدایی وقتی از معلمانی

1. Falzon & Borg
2. Anderson
3. Thompson
4. Conger & Kagan

آموزش می‌بینند که گرم و صمیمی هستند، پیشرفت تحصیلی بالاتری از خود نشان می‌دهند. همین‌طور در مطالعه دیگری، که لینی و سایدمن^۱ (۱۹۹۹) انجام دادند، مشخص شد وقتی معلم کلاس درس را به محیط دوستانه و گرم تبدیل می‌کند، پیشرفت دانش‌آموزان بالاست. همان‌طور که اشاره شد گرمی و صمیمیت یکی از خصوصیات است که بیشتر برای زنان مطرح می‌شود. در این رابطه باسو و دیستنفلد^۲ (۲۰۰۵) عقیده دارند که چون گرمی و صمیمی بودن و نقش حمایت‌کنندگی از ویژگی‌های مناسب جنسی برای زنان در نظر گرفته می‌شود، لذا از معلمان زن بیشتر انتظار نشان دادن چنین خصوصیات می‌رود. از طرف دیگر، مکی‌شی و لین^۳ (۲۰۰۱) از طریق یک مطالعه میدانی، با استفاده از یک آزمون مستقیم تعامل جنسیت و سبک آموزش دریافتند که استفاده از سبک آموزشی مبتنی بر گرمی و صمیمیت بیشتر برای معلمان زن مؤثر است تا برای معلمان مرد.

درباره این که مردان از نظر اداره کلاس و کنترل آن نسبت به زنان موفق‌تر هستند و وقت کلاس کمتر صرف مسائل انضباطی می‌شود، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که معلمان زن همانند معلمان مرد به راحتی از عهده اداره کلاس بر می‌آیند. در پژوهشی که هریس و اسمیت (۲۰۰۵) در میان سی و شش معلم دبستان در چهارده منطقه آموزش و پرورش ویرجینیا انجام دادند، این نتیجه به دست آمد که تفاوت معناداری بین اداره کلاس از طرف مردان و زنان وجود ندارد. آن‌ها همچنین نتیجه‌گیری کردند که به‌کارگیری معلمان مرد به‌جای زن در ارتباط با کنترل کلاس توجیه‌ناپذیر است. در ارتباط با این مسأله که معلمان زن علیه پسران سوگیری دارند، برانوالد^۴ و همکاران (۱۹۹۶) در مطالعه‌ای که در میان پنجاه و سه دانش‌آموز دبستانی در چهارده مدرسه از طریق مشاهدات کلاسی، مصاحبه با معلمان و مقیاس درجه‌بندی انجام دادند، مدرکی دال بر سوگیری معلمان زن بر علیه پسران به دست نیاوردند.

از دیدگاه نظری به دلیل اینکه که کودکان، سال‌های نخستین را بیشتر تحت نظر مادر می‌گذرانند، در این مرحله سنی به محیطی نیاز دارند که کم و بیش با محیط زندگی آن‌ها شبیه باشد تا از تشویق و دلجویی لازم بهره‌مند شوند. انتخاب معلمان زن برای دوره ابتدایی نیز به

1. Linney & Seidman
2. Basow & Distenfeld
3. Mckeachei & Lins
4. Braun wald



نوعی تداوم ارتباط کودک با مادر تلقی می‌شود، همان‌طور که گال و گامرمن^۱ (۲۰۰۴) نشان داده‌اند معلمان برای خیلی از کودکان ۴/۵ تا ۱۰/۵ ساله، که جامعه پژوهشی آن‌ها را تشکیل می‌دادند، به‌عنوان نخستین الگوهای سرپرستان^۲ مانند «مادر» در نظر گرفته می‌شوند. در همین زمینه گال و دیکوک^۳ (۱۹۸۷) در پژوهشی، که از روش مشاهده طبیعی^۴ و مصاحبه^۵ استفاده کرده‌اند و در نمونه‌ای متشکل از هفتاد و چهار دانش‌آموز کلاس‌های سوم و پنجم دبستان انجام داده‌اند، نشان دادند که در این مقطع سرپرستان زن بهتر از حمایت‌گران مرد هستند. پژوهش‌ها حاکی از آن است که معلمان زن نگرش مثبت‌تری نسبت به دانش‌آموزان دارند و بالطبع جو مثبت و مساعدتری را برای آن‌ها فراهم می‌کنند و در نتیجه یادگیری دانش‌آموزان نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. بنا به گفته آندرسون^۶ (۲۰۰۱) «داده‌های پرسشنامه‌ای نشان‌دهنده آن است که معلمان زن نگرش مساعد و خوشایندتری نسبت به دانش‌آموزان، تمرین‌های کلاسی دموکراتیک، نقطه نظرهای تربیتی و درک کلامی دارند» (ص ۶۵۱). همچنین مطالعات انجام شده با روش مشاهده نشان داده است که معلمان زن جو کلاسی مثبت و مساعدتری برای دانش‌آموزان فراهم می‌کنند. گود^۷ و همکاران (۲۰۰۶) در پژوهشی که در میان دانش‌آموزان شانزده کلاس هفتم و هشتم و با شرکت ۸ معلم مرد و ۸ معلم زن انجام دادند از طریق روش تجربی به مقایسه روش آموزشی و رفتار آن اقدام کردند. اگر چه مطالعه در مقطع دبیرستان انجام شد، نتایج پژوهش نشان داد که جو کلاسی مربوط به معلمان زن در مقایسه با کلاس معلمان مرد مساعدتر و مبتنی بر بحث بوده و معمولاً معلمان زن گرم و صمیمی‌تر، پاداش‌دهنده‌تر و نسبت به بدرفتاری دانش‌آموزان بردبارتر بوده‌اند. سپس آن‌ها نتیجه‌گیری کرده‌اند که این جو کلاسی در آموزش موضوعات درسی تأثیری مهم داشته است. در پژوهشی دیگر استیک و کتر^۸ (۲۰۰۵) جنسیت معلم مرد و زن را در دبستان مقایسه

-
1. Gall & Gumerman
 2. Helper
 3. Decooke
 4. Naturalistic observation
 5. interview
 6. Anderson
 7. Good
 8. Stake & katz

کردند. آن‌ها در نمونه‌ای به حجم بیست و یک معلم (یازده معلم زن و ده مرد) که به‌طور تصادفی به کلاس‌های چهارم، پنجم و ششم ابتدایی گمارده شده بودند با استفاده از پرسشنامه و مشاهده دریافتند که معلمان زن خیلی مثبت‌تر از معلمان مرد از طریق رفتار و عملکرد خود؛ یادگیری دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. پژوهش‌های مرتبط با عملکرد تحصیلی^۱ دانش‌آموزان دوره ابتدایی نشان داده‌اند، دانش‌آموزان دارای معلم زن عملکرد بهتری داشته‌اند. بنت^۲ (۱۹۹۶) در مطالعه‌ای از طریق نمره‌های آزمون پیشرفت تحصیلی استنفورد^۳ عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر و دختری را، که جداگانه تحت آموزش معلمان مرد و زن قرار گرفته بودند، مقایسه کرد؛ او از این مطالعه دریافت، دانش‌آموزانی که تحت آموزش معلمان زن قرار گرفته بودند، دارای عملکرد تحصیلی بهتری نسبت به دانش‌آموزانی بودند که تحت آموزش معلمان مرد قرار گرفته بودند. مام‌وندا و مام‌وندا^۴ (۲۰۰۰) همچنین به مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی دارای معلمان مرد و دانش‌آموزان دارای معلمان زن اقدام کردند. تنها یافته مهم و معنادار این پژوهش برتری عملکرد دانش‌آموزانی بود که تحت آموزش معلمان زن قرار گرفته بودند.

در پژوهشی دیگر که مایرز^۵ (۱۹۹۳) مرتبط با جنسیت معلم و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بتسوانا^۶ انجام داد نمونه‌ای به حجم دو هزار و پانصد و نه دانش‌آموز کلاس هفتم مدارس ابتدایی بتسوانا مطالعه شدند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که نمره‌های دانش‌آموزان دارای معلم زن در دروس ریاضیات، انگلیسی، علوم و علوم اجتماعی بالاتر از آن‌هایی بود که معلم مرد داشتند.

به طور کلی از پژوهش‌های مختلفی که راجع به جنسیت معلم انجام شده می‌توان نتیجه گرفت: اولاً جنسیت معلم می‌تواند در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در دوره دبستان مؤثر باشد. ثانیاً اگر چه تعدادی از این پژوهش‌ها اشاره می‌کنند که در کلاس‌های پسرانه برای نقش‌پذیری الگوهای مردانه، باید از معلمان مرد استفاده شود، از طرفی معلمان زن در کلاس با

-
1. Academic Performance
 2. Bennett
 3. Stanford Achievement test
 4. Mwam Wenda
 5. Mayers
 6. Botswana



گرمی و صمیمیت بیشتری با دانش‌آموزان رفتار می‌کنند، و در نتیجه جو کلاس مثبت و مساعدتری را برای یادگیری دانش‌آموزان فراهم می‌کنند. این مطلب به نوبه خود پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره ابتدایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

لذا، پژوهش حاضر با هدف بررسی دیدگاه مدرسان، کارشناسان و مدیران درباره آموزش معلمان زن به دانش‌آموزان پسر پایه‌های اول تا سوم مدارس ابتدایی؛ در صدد پاسخگویی به دو سؤال زیر بود:

- ۱- دیدگاه مدرسان مراکز تربیت معلم و کارشناسان درباره آموزش معلمان زن به دانش‌آموزان پایه‌های اول تا سوم مدارس ابتدایی پسرانه چیست؟
- ۲- دیدگاه مدیران درباره آموزش معلمان زن به دانش‌آموزان پایه‌های اول تا سوم مدارس ابتدایی پسرانه چیست؟

روش پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع و هدف‌های پژوهش، این پژوهش از نوع توصیفی - پیمایشی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه مدرسان مراکز تربیت معلم، کارشناسان آموزش ابتدایی و مدیران مدارس ابتدایی استان قم اعم از مدیران زن مدارس دخترانه و مدیران مرد مدارس پسرانه در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ بود. حجم نمونه مدیران با استفاده از فرمول کوکران ۱۶۲ نفر برآورد شد. به منظور تعیین حجم نمونه مدیران از روش نمونه‌گیری تصادفی و طبقه‌ای متناسب با حجم استفاده شد. بدین صورت که ابتدا از بین ۴ ناحیه و ۳ منطقه آموزش و پرورش استان قم، نواحی ۱، ۲، ۳ و منطقه جعفرآباد به صورت تصادفی انتخاب شدند و سپس در هر ناحیه و منطقه متناسب با حجم مدیران مدارس، تعدادی مدیر به‌طور تصادفی انتخاب و برای جمع‌آوری اطلاعات به این مدارس مراجعه شد. برای نمونه‌گیری در جامعه مدرسان و کارشناسان، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. بعقیده گال و همکاران در پژوهش کیفی تعداد حجم نمونه با معیار اشباع نظری و تکرارپذیری انجام می‌شود (گال و همکاران، ج ۱، ۱۳۸۴، ص ۳۸۹) که در این پژوهش نیز رعایت شد و بر اساس آن حجم نمونه جامعه مدرسان و کارشناسان برابر ۲۰ نفر (۱۴ مدرس و ۶ کارشناس آموزشی) تعیین شد.

در این پژوهش علاوه بر استفاده از اسناد و مدارک موجود، از ابزارهای مصاحبه و

پرسشنامه نیز استفاده شد که توضیحاتی درباره آن‌ها ارائه می‌شود:

الف) مصاحبه: به منظور بررسی عمیق موضوع پژوهش، با مدرسان و کارشناسان آموزش ابتدایی در استان قم که تعداد آن‌ها ۲۰ نفر بود، مصاحبه نیمه سازمان یافته به عمل آمد.

ب) پرسشنامه: پرسشنامه این پژوهش از نوع محقق ساخته بود که پژوهشگر آن را به صورت پنج گزینه‌ای طیف لیکرت تهیه کرد و با استفاده از نظرات هفت نفر از اساتید علوم تربیتی و چهار نفر از دانشجویان دکتری این گروه اصلاح و بازنگری شد. این پرسشنامه ۱۲ گویه دارد که با استفاده از آن نگرش مدیران و دلایل موافقت آن‌ها درباره آموزش معلمان زن در پایه‌های اول تا سوم بررسی شد.

روایی^۱ (اعتبار) سؤال‌های پرسشنامه و مصاحبه: روایی پرسشنامه و مصاحبه این پژوهش از طریق روایی محتوایی به دست آمده است. پژوهشگران، اساتید گروه علوم تربیتی و کارشناسان آموزش ابتدایی سؤال‌ها را در چندین نوبت بازنگری و بررسی کردند و در نهایت پس از انطباق سؤال‌ها با موضوع و اهداف پژوهش، فرم نهایی مصاحبه و نسخه نهایی پرسشنامه تأیید شد.

پایایی^۲: برای مشخص کردن پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ^۳ استفاده شد. که با استفاده از نرم افزار SPSS^۴ ۰/۸۵ برآورد شد.

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از مصاحبه از روش مقوله بندی استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از پرسشنامه در سطح آمار توصیفی از آماره‌هایی نظیر فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و واریانس و در سطح آمار استنباطی از آزمون تی تک متغیره یا تک نمونه‌ای و آزمون تی مستقل استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

در این مقاله به سؤال اول با استفاده از مصاحبه و به سؤال دوم با بهره‌گیری از پرسشنامه پاسخ داده شد. یافته‌های به دست آمده به تفکیک ارائه خواهد شد:

1. validity
2. reliability
3. Cronbach Alpha Coefficient
4. Statistical Package for Social Sciences



سؤال اول: دیدگاه مدرسان مراکز تربیت معلم، کارشناسان درباره آموزش معلمان زن به دانش آموزان پایه های اول تا سوم مدارس ابتدایی پسرانه چیست؟

وقتی نظر مصاحبه شوندهگان (مدرسان و کارشناسان) درباره به کارگیری معلمان زن در مدارس ابتدایی پسرانه در پایه های اول تا سوم بررسی شد، هر یک از آنها نظرات متفاوتی در این باره ارائه و دلایلی برای بیان دیدگاه های خود اظهار کردند. به طور کلی می توان نظرات آنها را به دو دسته کلی موافق و مخالف تقسیم کرد. موافقان خود نیز به سه دسته تقسیم می شوند. عده ای با به کارگیری معلمان زن فقط در پایه اول و عده دیگری نیز با پایه اول و دوم موافق بودند و تعدادی نیز تدریس معلمان زن را در پایه های اول تا سوم پیشنهاد کردند.

از میان افرادی که با آنها مصاحبه شد، ۷ نفر (۳۵٪) با به کارگیری معلمان زن در پایه های اول تا سوم ابتدایی پسر موافق بودند و اعلام کردند، چون در این سنین دانش آموزان سال های اولیه تحصیلی خود را آغاز می کنند و برای اولین بار از کانون گرم خانواده فاصله می گیرند، آماده کردن محیطی که اصل آرامش و صمیمیت را داشته باشند، معلمانی باحوصله و مهربان و دلسوز را می طلبد. در این راستا یکی از مصاحبه شوندهگان (فرد ۱۷) عنوان می کند:

«دوره ابتدایی دوره بسیار مهم در نظام آموزشی به حساب می آید. بسیاری از ویژگی ها و شخصیت های فرد در این مرحله شکل می گیرد. سرمایه گذاری و برنامه ریزی صحیح می تواند آینده جامعه را متحول سازد. چون دوره ابتدایی اولین و مهم ترین دوره های نظام آموزشی به حساب می آید می بایستی محیط آموزشی را به گونه ای طراحی کنیم که بهترین بازده را از آن داشته باشیم. حال کودکی که وارد این سیستم می شود باید به گونه ای باشد که احساس خوشایندی حاصل کند و انگیزه و شور و اشتیاق او به تحصیل و آموختن فزونی یابد. به نظر می رسد معلمان زن با داشتن روحیه مادرانه، همراه با نرمی و عطوفتی که دارند، می توانند محیط را برای این افراد به نحوه شایسته ای مهیا کرده، به صورتی که نتایج آن برای نظام آموزشی بسیار ارزنده باشد.»

دسته دیگر از موافقان کسانی بودند که معلمان زن را در پایه های اول و دوم پیشنهاد می کردند. تعداد این افراد ۵ نفر و ۲۵٪ را تشکیل می دادند. آنها بیان می کنند سال های اولیه تحصیل برای دانش آموزان بسیار مهم است و نقش تعیین کننده ای در روند تحصیل آنها خواهد داشت. یکی از آنها (فرد ۴) اظهار می کند:

«سنین ۷ و ۸ سالگی جزء سال‌هایی هست که بچه‌ها وابستگی شدیدی به خانواده (پدر و مادر) دارند. از جمله این وابستگی‌ها، بعد عاطفی است که بچه‌ها بسیار به آن نیازمند هستند و دوست دارند مورد توجه، نوازش و صمیمیت قرار گیرند تا خلاءهای ناشی از بعد عاطفی ایجاد شده جبران شود. در این میان، معلمان زن به دلیل داشتن روحیات و ویژگی‌های منعطف و رفتاری مادرانه، خود سهم بسزایی در برآورده کردن این نیاز مهم دانش‌آموزان دارند.»

دسته سوم از موافقان کسانی بودند که به‌کارگیری معلمان زن را در پایه‌های اول تا سوم پیشنهاد می‌کنند. تعداد این افراد ۴ نفر و (۲۰٪) را تشکیل می‌دهند. آن‌ها بر این باور بودند که نیازهای دانش‌آموزان را اگر به نیازهای شناختی، عاطفی و روانی - حرکتی تقسیم کنیم، معلمان زن در برآورده کردن نیازهای عاطفی دانش‌آموزان بسیار نقش مهمی را ایفا می‌کنند، چراکه روحیه آن‌ها به‌گونه‌ای است که عطوفت و مهربانی که یکی از عوامل اصلی و اساسی در برآورده کردن نیاز عاطفی باشد در آن‌ها به وفور یافت می‌شود. یکی از افراد (فرد ۸) بر این باور بود که:

«اگر در سال‌های اولیه تحصیل (پایه‌های اول تا سوم) بتوانیم به گونه‌ای نیازهای عاطفی دانش‌آموزان را تأمین کنیم و آن انگیزه لازم را در آن‌ها جهت ادامه مسیر فراهم سازیم، برآورده کردن نیازهای شناختی و روانی - حرکتی نیز تحت تأثیر این بعد قرار خواهد گرفت به گونه‌ای که هم مربی و هم متربی در این جریان آموزشی احساس رضایت و موفقیت خواهد داشت.» همان‌طور که گفته شد، دسته دیگر مخالفان بودند که با به‌کارگیری معلمان زن به‌عنوان معلم پسران در هیچ یک از پایه‌ها موافق نبودند. تعداد آن‌ها ۴ نفر و (۲۰٪) را تشکیل می‌دادند. آن‌ها اتفاق نظر داشتند که معلمان زن روحیه منعطف و احساسات ظریف دارند و از مهارت ارتباطی خوب بهره‌مند هستند، اما آن‌ها بر این باور بودند که مسئله مطرح در این سنین الگوپذیری و نقش‌پذیری دانش‌آموزان است که باید نهایت دقت درباره آن‌ها به عمل آید. از آنجا که دانش‌آموزان ابتدایی بسیار دقیق و نکته‌سنج هستند و بسیاری از مسائل را از طریق مشاهده و تقلید کردن یاد می‌گیرند دلیل خاصی وجود ندارد که در این سنین از معلمان زن در این دوره آموزشی استفاده کنیم. نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان (فرد ۱۹) در این باره این بود:

«به جای اینکه از معلمان زن در مدارس ابتدایی پسرانه استفاده کنیم، با برنامه‌ریزی درست



و استفاده کردن از آموزش‌های مورد نیاز معلمان ابتدایی، تدوین برنامه درسی (دروس تربیتی و روان‌شناسی) به منظور تربیت افراد، قابلیت‌ها و توانایی‌های لازم را در آن‌ها حاصل کرده تا اینکه دانش‌آموزان پسر با داشتن معلمان شایسته مرد در الگوپذیری دچار مشکل نشوند.»

در همین راستا، یکی دیگر از مخالفان (فرد ۱) نیز چنین می‌گوید:

«درست است که معلمان زن دارای ویژگی‌های روحی خاص خودشان می‌باشند و شاید در جریان امور تربیتی دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار دهند، ولی در این میان نباید صلاحیت‌های فنی آن‌ها را نادیده گرفت به طوری که برآورده کردن نیازهای شناختی و روانی - حرکتی فدای برآورده کردن نیازهای عاطفی گردد.»

جمع‌بندی دیدگاه‌های ارائه شده در مصاحبه‌ها به صورت کمی در جدول ۱ ارائه شده است:

جدول ۱: جمع‌بندی دیدگاه‌ها درباره انتخاب معلمان زن در پایه‌های اول تا سوم ابتدایی

افراد	گویه‌ها	فراوانی	درصد
	آموزش توسط معلم زن به دانش‌آموزان پسر پایه اول	۷	۳۵
موافقان	آموزش توسط معلم زن به دانش‌آموزان پسر پایه اول و دوم	۵	۲۵
	آموزش توسط معلم زن به دانش‌آموزان پسر پایه اول تا سوم	۴	۲۰
مخالفان	آموزش توسط معلم زن به دانش‌آموزان پسر پایه‌های اول تا سوم	۴	۲۰

بر اساس یافته‌های جدول ۱ در مجموع ۸۰٪ با به‌کارگیری معلمان زن برای پایه اول، ۴۵٪ برای پایه دوم و ۲۰٪ برای پایه سوم موافق بوده‌اند.

سؤال دوم: دیدگاه مدیران درباره آموزش معلمان زن به دانش‌آموزان پایه‌های اول

تا سوم مدارس ابتدایی پسرانه چیست؟

به‌منظور پاسخ‌گویی به این سؤال پژوهش، ابتدا با ۳ سؤال جدول ۲ میزان موافقت مدیران با آموزش معلمان زن به دانش‌آموزان پسر پایه اول تا سوم ابتدایی بررسی شد و در ادامه نیز با ۹ سؤال جدول ۴ دلیل موافقت آن‌ها با این مقوله بررسی شد.

جدول ۲: توزیع فراوانی و درصد پاسخ سؤال‌های مربوط به آموزش معلمان زن به دانش‌آموزان پسر

انحراف معیار	میانگین	بسیار زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	بسیار کم	مقیاس	گویه‌ها
۱/۲۷	۴/۰۰	۸۴	۲۷	۲۹	۸	۱۳	۱- آموزش توسط معلم زن به دانش‌آموزان پسر پایه اول	
		۵۲/۲	۱۶/۸	۱۸/۰	۵/۰	۸/۱		
۱/۴۲	۳/۴۵	۵۴	۳۱	۳۴	۱۹	۱۲	۲- آموزش توسط معلم زن به دانش‌آموزان پسر پایه دوم	
		۳۳/۵	۱۹/۳	۲۱/۱	۱۱/۸	۱۴/۳		
۱/۴۶	۲/۸۷	۲۸	۳۳	۳۱	۲۴	۴۵	۳- آموزش توسط معلم زن به دانش‌آموزان پسر پایه سوم	
		۱۷/۴	۲۰/۵	۱۹/۳	۱۴/۹	۲۸/۰		

* در هر ستون عدد ردیف اول فراوانی و عدد ردیف دوم، درصد پاسخ‌گویی به هر گویه را نشان می‌دهد.

بر اساس یافته‌های جدول ۲ بیشترین فراوانی نمره پاسخ‌ها مربوط به «آموزش معلمان زن به دانش‌آموزان پسر پایه اول» با درصد فراوانی ۵۲/۲ و میانگین ۴ و کمترین فراوانی نمره پاسخ‌ها مربوط به «آموزش معلمان زن به دانش‌آموزان پسر پایه سوم» با درصد فراوانی ۱۷/۴ و میانگین ۲/۸۷ بوده است.

جدول ۳: مقایسه میانگین نظرات مدیران در خصوص سؤال‌های مربوط به آموزش توسط معلمان زن در مدارس ابتدایی پسرانه

p	t	مرد n=۸۲		زن n=۸۰		گویه‌ها
		انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۰/۱۴۰	۱/۴۸	۱/۳۱	۳/۸۵	۱/۲۳	۴/۱۵	۱- آموزش توسط معلم زن به دانش‌آموزان پسر پایه اول
۰/۱۰۴	۱/۶۳	۱/۳۹	۳/۲۸	۱/۴۳	۳/۶۴	۲- آموزش توسط معلم زن به دانش‌آموزان پسر پایه دوم
۰/۰۵	۱/۹۷	۱/۴۶	۲/۶۲	۱/۴۴	۳/۰۷	۳- آموزش توسط معلم زن به دانش‌آموزان پسر پایه سوم



براساس یافته‌های جدول ۳ بیشترین میانگین نمره پاسخ‌های مدیران زن مربوط به «آموزش معلمان زن به دانش‌آموزان پسر پایه اول» با میانگین ۴/۱۵ و کمترین میانگین مربوط به «آموزش معلمان زن به دانش‌آموزان پسر پایه اول» با میانگین ۳/۸۵ و کمترین میانگین مربوط به «آموزش معلمان زن به دانش‌آموزان پسر پایه سوم» با میانگین ۲/۶۲ بوده است. براساس یافته‌های جدول ۴، مشاهده شده در سطح $p \leq 0/05$ فقط برای گویه سه معنادار بوده است، بنابراین، بین نظرات مدیران مرد و زن در خصوص آموزش توسط معلمان زن به دانش‌آموزان پسر پایه سوم مدارس ابتدایی تفاوت وجود دارد.

برای بررسی علل موافقت مدیران در به‌کارگیری معلمان زن در آموزش به دانش‌آموزان پسر پایه‌های اول تا سوم مدارس ابتدایی دلایل موافقت آن‌ها در غالب ۹ گویه در جدول ۴ بیان شده است.

جدول ۴: توزیع فراوانی و درصد پاسخ سؤال‌های مربوط به دلایل موافقت با آموزش معلمان زن برای دانش‌آموزان پسر

گویه‌ها	مقیاس	بسیار کم	کم	تاحدودی زیاد	زیاد	بسیار زیاد	میانگین	انحراف معیار
۱- علاقه‌مندی زنان به حرفه معلمی		۴	۲۹	۲۲/۸	۴۶	۴۸	۴/۰۸	۰/۸۵۴
۲- آشنایی بیشتر زنان با مسائل تربیتی		۷	۳۷	۲۰/۳	۵۵	۴۴	۴/۰۲	۰/۸۶۵
۳- موفق بودن در مهارت‌های برقراری ارتباط		۱	۱۶	۱۱/۹	۳۶	۸۱	۴/۴۷	۰/۷۳۲
۴- موفق بودن در آموزش دوره ابتدایی		۵	۳۳	۲۴/۸	۵۱	۴۴	۴/۰۰	۰/۸۵۷
۵- داشتن ظاهری آراسته و جذاب		۱۲	۳۴	۲۶/۰	۴۱	۴۴	۳/۸۹	۰/۹۷۸
۶- موفق بودن در ایجاد محیط آموزشی دوستانه	۱	۰/۸	۱۸	۱۳/۸	۳۹/۲	۴۲/۲	۴/۳۰	۰/۷۶۴
۷- داشتن انعطاف‌پذیری در رفتار		۱	۱۹	۱۴/۶	۴۱	۶۹	۴/۳۶	۰/۷۵۸
۸- به‌کارگیری روش‌ها و فنون تدریس فعال		۵	۳۴	۳۵/۶	۵۰	۴۴	۴/۰	۰/۸۶۱
۹- داشتن صبر و حوصله کافی در برخورد با مسائل آموزشی		۱	۱۶	۱۱/۹	۳۹	۷۸	۴/۴۴	۰/۷۳۱

بر اساس یافته‌های جدول ۴ درباره علت موافقت مدیران با آموزش معلمان زن در پایه‌های اول تا سوم مدارس ابتدایی بیشترین میانگین نمره پاسخ‌ها مربوط به «مؤفق بودن در مهارت‌های برقراری ارتباط» با میانگین ۴/۴۷ و کمترین میانگین مربوط به «داشتن ظاهری آراسته و جذاب» با میانگین ۳/۸۹ بوده است. با توجه به بالا بودن میانگین‌ها از میانگین فرضی در نظر گرفته شده می‌توان بیان کرد مدیران با این دلایل درباره به‌کارگیری معلمان زن در پایه‌های اول تا سوم مدارس ابتدایی موافق هستند.

جدول ۵: مقایسه میانگین نمره دلایل موافقت درخصوص آموزش توسط معلمان زن برای دانش‌آموزان اول تا سوم

p	t	مرد n=۸۲		زن n=۸۰		گویه‌ها
		انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۱۷	۲/۴۲	۰/۹۲۸	۳/۹۰	۰/۷۳۹	۴/۲۶	۱- علاقمندی زنان به حرفه معلمی
۰/۰۰۱	۴/۶۱	۱/۰۴	۳/۶۷	۰/۷۳۶	۴/۳۲	۲- آشنایی بیشتر زنان با مسائل تربیتی
۰/۰۳۱	۲/۱۷	۰/۷۹۷	۴/۳۲	۰/۶۴۶	۴/۶۰	۳- مؤفق بودن در مهارت‌های برقراری ارتباط
۰/۰۰۱	۳/۲۴	۰/۸۳۶	۳/۷۶	۰/۸۱۹	۴/۲۲	۴- مؤفق بودن در آموزش دوره ابتدایی
۰/۰۱۵	۲/۴۵	۰/۸۷۶	۳/۶۸	۰/۸۸۰	۴/۰۸	۵- داشتن ظاهری آراسته و جذاب
۰/۰۲۲	۲/۳۱	۰/۷۳۹	۴/۳۴	۰/۷۷۲	۴/۴۴	۶- مؤفق بودن در ایجاد محیط آموزشی دوستانه
۰/۰۴۸	۱/۹۹	۰/۸۰۴	۴/۲۲	۰/۶۹۹	۴/۴۹	۷- داشتن انعطاف‌پذیری در رفتار
۰/۰۰۱	۳/۸۰	۰/۸۳۱	۳/۷۱	۰/۸۱۰	۴/۲۵	۸- بکارگیری روشها و فنون تدریس فعال
۰/۱۱۶	۱/۵۸	۰/۸۰۰	۴/۱۴	۰/۷۱۵	۴/۵۴	۹- داشتن صبر و حوصله کافی در برخورد با مسائل آموزشی

بر اساس یافته‌های جدول ۵ بیشترین میانگین نمره پاسخ‌های مدیران زن مربوط به «مؤفق بودن در مهارت‌های برقراری ارتباط» با میانگین ۴/۶۰ و کمترین میانگین مربوط به «داشتن ظاهری آراسته و جذاب» با میانگین ۴/۰۸ بوده است. بیشترین میانگین نمره پاسخ‌های مدیران مرد مربوط به «مؤفق بودن در ایجاد محیط آموزشی دوستانه» با میانگین ۴/۳۴ و کمترین میانگین مربوط به آشنایی «بیشتر زنان با مسائل تربیتی» با میانگین ۳/۶۷ بوده است. بر اساس یافته‌های جدول میانگین نمره پاسخ‌های مدیران زن درخصوص آموزش توسط معلمان زن



برای دانش‌آموزان اول تا سوم بیشتر از میانگین نمره پاسخ‌های مدیران مرد است. همچنین براساس یافته‌های جدول ۵، به جزء سؤال ۹، t مشاهده شده در سایر سؤال‌ها در سطح $p \leq 0/05$ معنادار است. بنابراین، بین نظرات مدیران مرد و زن تفاوت وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

از آنجا که در قلمرو آموزش و پرورش، معلمان نقش بسیار اساسی، مؤثر و محوری بر عهده دارند و از مهم‌ترین عوامل اثربخش نظام‌های آموزش و پرورش محسوب می‌شوند، در امر انتخاب و تربیت معلمان باید نهایت دقت به عمل آید. از طرفی آموزش و تربیت باید به گونه‌ای باشد که معلمان از نظر معلومات منطبق با دنیای امروز باشند و از نظر دانش حرفه‌ای، آموزشی و پرورشی نیز کاملاً به روز باشند. بدیهی است که در این میان نقش معلمان ابتدایی اهمیت و حساسیت فوق‌العاده‌ای دارد، چرا که اساس و شالوده شخصیت فکری و اجتماعی کودک در این دوره شکل می‌گیرد. نتایج تجزیه و تحلیل یافته‌های مربوط به سؤال یک پژوهش در جدول ۱ نشان داد مصاحبه‌شوندگان درباره به‌کارگیری معلمان زن در مدارس ابتدایی پسرانه در پایه‌های اول تا سوم نظرات متفاوتی دارند. به‌طور کلی می‌توان نظرات آن‌ها را به دو دسته کلی موافق و مخالف تقسیم کرد. موافقان خود نیز به سه دسته تقسیم شدند. عده‌ای با به‌کارگیری معلمان زن فقط در پایه اول موافق بودند و عده دیگر که با پایه اول و دوم و تعدادی نیز تدریس معلمان زن را در پایه‌های اول تا سوم پیشنهاد کردند. بر اساس یافته‌های حاصل از مصاحبه در مجموع ۸۰٪ با به‌کارگیری معلمان زن برای پایه اول، ۴۵٪ برای پایه دوم و ۲۰٪ برای پایه سوم موافق بوده‌اند. دسته دیگر مخالفان بودند که با به‌کارگیری معلمان زن برای تدریس به پسران در هیچ یک از پایه‌ها موافق نبودند. تعداد آن‌ها ۴ نفر و (۲۰٪) را تشکیل می‌دادند. آن‌ها اتفاق نظر داشتند که معلمان زن روحیه منعطف و احساسات ظریف دارند و از مهارت ارتباطی خوب بهره‌مند هستند، اما آن‌ها بر این باور هستند که مسأله مطرح در این سنین الگوپذیری و نقش‌پذیری دانش‌آموزان است که می‌بایست نهایت دقت درباره آن‌ها به عمل آید.

تجزیه و تحلیل یافته‌های مربوط به سؤال دوم پژوهش در جدول ۲ نشان داد بیشترین میانگین نمره پاسخ‌ها مربوط به «آموزش معلمان زن به دانش‌آموزان پسر پایه اول» با میانگین ۴

و کمترین میانگین مربوط به «آموزش معلمان زن به دانش‌آموزان پسر پایه سوم» با میانگین ۲/۸۷ بوده است. مقایسه نظرات مدیران زن و مرد در جدول ۳ نشان می‌دهد بین دیدگاه‌های مدیران زن و مرد در خصوص پایه اول ($p = 0/140$) و پایه دوم ($p = 0/104$) معنادار نیست، ولی در پایه سوم ($p = 0/05$) بین دیدگاه‌های مدیران زن و مرد تفاوت وجود دارد. مدیران زن بیشتر از مدیران مرد موافق تدریس معلمان زن در پایه سوم هستند.

بر اساس یافته‌های مصاحبه و پرسشنامه در جداول ۱ و ۲ می‌توان چنین نتیجه گرفت که به دلیل فاصله گرفتن دانش‌آموزان سال اول (به عنوان اولین تجربه) از کانون گرم خانواده، برای برآورده کردن نیازهای عاطفی و پیشرفت تحصیلی آن‌ها، به کارگیری معلمان زن می‌تواند بسیار سودمند باشد. درباره دانش‌آموزان پایه دوم در حد امکان همانند پایه اول از معلمان زن استفاده شود، اما درباره دانش‌آموزان پایه سوم به دلیل نقش الگویی جنسیتی دانش‌آموزان تا حد امکان از معلمان زن کمتر استفاده شود. یافته‌های سؤال‌های یک و دو پژوهش با یافته‌های واشبورن و هیل (۱۹۶۰)؛ ماسن و همکاران (۱۹۷۴)؛ دهلر (۱۹۹۵)؛ لینی و سایدمن (۱۹۹۹)؛ آندرسون (۲۰۰۱)؛ رابین (۲۰۰۲)؛ کانگر و کیگان (۲۰۰۳)؛ فالزون و بورگ (۲۰۰۴)؛ المور و لاپنیت (۲۰۰۵)؛ باسو و دیستغلد (۲۰۰۵)؛ جعفری (۱۳۷۲)؛ مک‌وندی و همکاران (۱۳۷۲) و محمدی (۱۳۷۳) همخوان است، بدین صورت که پژوهش حاضر نشان داد استفاده از معلمان زن بر حسب اولویت در پایه‌های اول، دوم و سوم می‌تواند در برآورده کردن نیازهای عاطفی دانش‌آموزان و پیشرفت تحصیلی آن‌ها مؤثر باشد. از طرفی چون در دوره ابتدایی دانش‌آموزان سال‌های اولیه تحصیلی خود را آغاز می‌کنند و برای اولین بار از کانون گرم خانواده فاصله می‌گیرند، آماده کردن محیطی که آرامش و صمیمیت داشته باشند، معلمان باحوصله و مهربان و دلسوز را می‌طلبد؛ می‌بایست محیط آموزشی را به گونه‌ای طراحی کرد که بهترین بازده را داشته باشد. حال کودکی که وارد این سیستم می‌شود باید به گونه‌ای باشد که احساس خوشایندی پیدا کند و انگیزه و شور و اشتیاق او به تحصیل و آموختن فزونی یابد. به نظر می‌رسد معلمان زن با داشتن روحیه مادرانه، همراه با نرمی و عطوفتی که دارند، می‌توانند محیط را برای این افراد به نحوه شایسته‌ای مهیا کرده، به صورتی که نتایج آن برای نظام آموزشی بسیار ارزنده باشد.

در این راستا بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود به دانش‌آموزان پسر پایه‌های



اول و دوم معلمان زن تدریس کنند که از نظر دانش حرفه‌ای و آموزشی و پرورشی کاملاً به روز هستند؛ چون در این سنین دانش‌آموزان برای اولین بار از کانون گرم خانواده فاصله می‌گیرند و سال‌های اولیه تحصیلی خود را آغاز می‌کنند، آماده کردن محیطی که آرامش و صمیمیت داشته باشد، نیازمند معلمانی باحوصله، مهربان و دلسوز است. به نظر می‌رسد معلمان زن با داشتن روحیهٔ مادرانه، همراه با نرمی و عطوفتی که دارند، می‌توانند محیط را برای این افراد به نحوه شایسته‌ای مهیا کرده، به صورتی که نتایج آن برای نظام آموزشی بسیار ارزنده باشد.

به دلیل وابستگی ماهیت تربیت معلم به سطوح توسعه اقتصادی و زمینه‌های اجتماعی و تأثیر پذیری آن از ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی؛ لذا ضروری است در برنامه‌ریزی و تعیین سطوح تحصیلی دوره‌های تربیت معلم و همچنین در به‌کارگیری شیوه‌های گزینش به نیازهای بومی و منطقه‌ای توجهی خاص شود؛ و در مرحله انتخاب معلمان زن برای آموزش به دانش‌آموزان پسر نیازهای هر منطقه از لحاظ فرهنگی نیز باید به‌عنوان یکی از معیارهای گزینش مد نظر مسئولان و سیاست‌گذاران آموزش و پرورش قرار گیرد.

Archive

منابع

- احمدی نژاد، عبدالرضا، (۱۳۷۲). پیامدهای تربیتی ناشی از زنانه شدن کادر مدرسه ابتدایی پسرانه، *مجموع مقالات دومین سمپوزیوم جایگاه تربیت در آموزش و پرورش در دوره ابتدایی*، تهران: تربیت.
- جعفری، محمد علی، (۱۳۷۲). بررسی تأثیر زنانه شدن کادر مدارس ابتدایی برای الگویابی جنسیتی یابی پسران سال اول راهنمایی شهر ورامین، پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه تربیت معلم.
- دبیری اصفهانی، عدرا، (۱۳۸۵). بررسی روش کلاس داری آموزگار بر پایه جنسیت دانش آموزان، *اندیشه های نوین تربیتی*، دوره ۲، شماره ۲، صص ۶۹-۴۳.
- سها، ال. و فیچرلیند، ای، (۱۳۸۰). آموزش و توسعه، ترجمه پریدخت وحیدی، *دانشنامه اقتصاد آموزش و پرورش*، جلد اول، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- صادقی، محمدرضا، (۱۳۷۴). مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر مدارس ابتدایی دولتی دارای معلمان مرد و معلمان زن در شهر ساری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- ظهره‌وند، راضیه، (۱۳۸۵). تحقق آموزش و پرورش حساس به جنسیت در برنامه‌ریزی آموزشی دوره آموزش عمومی، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ۸۷ (۳)، صص ۱۴۷-۱۷۴.
- عظیمی، حسین، (۱۳۷۸). *ایران امروز در آینه مباحث توسعه*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- کریمی، یوسف، (۱۳۷۳). *روان شناسی اجتماعی آموزش و پرورش*، تهران: ویرایش.
- کومبز، فلیپ، (۱۳۷۳). *بحران جهانی تعلیم تربیت*، ترجمه حسن صفاری و کوکب صفاری، تهران: کمیسیون ملی یونسکو ایران.
- گال، مردیت و بورگ، والتر؛ و گال، جوئیس، (۱۳۸۶). *روش های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان شناسی*، ترجمه احمد رضا نصر و همکاران، تهران: سمت و دانشگاه شهید بهشتی.



ماسن، پاول هنری و همکاران، (۱۳۸۲). رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، تهران: مرکز.

محمدی باغملائی، حیدر، (۱۳۷۴). مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر دارای معلم زن در پایه دوم دوره ابتدایی شهرستان بوشهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.

مفیدی، فرخنده، (۱۳۷۲). نقش الگودهی معلم در جریان تعلیم و تربیت کودکان دوره ابتدایی، مجموعه مقالات دومین سمپوزیوم جایگاه تربیت در آموزش و پرورش دوره ابتدایی، تهران: تربیت.

مهران، گلنار، (۱۳۸۵). بررسی روند تواناسازی دختران و زنان در نظام آموزشی ایران، فصلنامه تعلیم و تربیت، ۸۷ (۳)، صص ۹۲-۵۹.

مک وندی، بهنام. ؛ نجاریان، بهمن. ؛ شکرکن، بهمن و لیامی، فاطمه، (۱۳۷۲). مقایسه عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر شاهد با دانش‌آموزان پسر واجد و فاقد پدر در مدارس ابتدایی اهواز، فصلنامه تعلیم و تربیت، ۳۴ (۲)، ۴۴-۶۰.

Anderson, G., (2001). Effects of course content and teacher sex on the social climate of learning. *American Educational Research Journal*, 8(3), 56-83.

Basow, S. & Distenfeld, M., (2005). Teacher expressiveness more important for male teachers than female teachers? *Journal of Educational Psychology*, 77(1), 45-52.

Bennett, W. J. & Best, D., (1996). Awareness and expression of sex stereotypes in young children. *Developmental Psychological*, 11(2), 635-642.

Bukatko, D. & Deahler, M. W., (1995). *Child development thematic approach*, U.S.A: Houghton Mifflin Company.

Canger, G. & Kagan, M., (2003). Male teacher effects on young children. *Journal of Personality and Social Psychology*, 43(8), 270-287.

Elmore, P. & Lapoint, K., (2005). Effect of teacher sex, student sex, and teacher warmth on the evaluation of college instructors. *Journal of Educational Psychology*, 67(3), 368-374.

Falzon, J. M. & Borg, M. G., (2004). Primary school teachers perception of pupils, *Undesirable Behaviors Educational Studies*, 15(3), 251-260.

Gall, S. N. & Decooke, P., (1987). Same - sex and cross - sex help exchanges in the classroom. *Journal of Educational psychology*, 76(4), 167-171.

- Gall, N. & Gumerman, R,(2004). Children's perception of helper and helper motivation, *Journal of Applied Development Psychology*, 5(3), 12-16.
- Good, T. L; Sikes, J. N. & Brophy, J. E,(2006). Effects of teacher sex and student sex on classroom interaction. *Journal of Educational Psychology*, 65(1), 74-87.
- Hess, F. M. ; Rotherham, A. J. & Walsh , K,(2005). *Finding the teachers we need*. Policy Perspectives, London: The Falmer Press.
- Hurwitz, N. & Hurwitz, S,(2005). The challenge of teacher quality. *American School Board Journal*, 9(4) 38-41.
- Linney, J. A. & Seidman, E. N,(1999). The future of schooling American psychologist, *Journal of educational psychology*, 44(5), 336- 348.
- Mawamwenda, T. & Mawamwenda, B,(2000). Teacher characteristics and pupil? Academic Achievement in botswana primary education, *International Journal of Educational Development*, 9(1), 31-42.
- Mayers, D,(1993). Gender teacher it's implication for children development, *Journal of Cognition Science*, 8(12), 598-616.
- Mckeachie, W. J. & Lin, Y,(2001). Sex differences in student response to college teachers: Teach warmth and teacher sex. *American Educational Research Journal*, 8(2), 221-225.
- Rubin, R. B,(2002). Ideal traits and terms of address male and female college professors. *Journal of Personality and Social Psychology*, 41(6), 966- 976.
- Stake, J. & Katz. J,(2005). Teacher pupil relationships in the elementary school classroom: Teacher - gender and pupil gender differences, *American Educational Research Journal*, 19(3), 465-471.

Archive



a.farahani2009@gmail.com

علیرضا فراهانی

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، دبیر آموزش و پرورش

arnasr@edu.ui.ac.ir

دکتر احمدرضا نصر

استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

کتاب‌های او عبارت است: ۱- «روش‌های پژوهش کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی»؛ ۲- «برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه‌ها راهنمای بهبود روش‌های تدریس در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی» و همچنین از او مقالاتی در فصلنامه‌های مطالعات برنامه‌درسی و تعلیم و تربیت... چاپ شده است.

m.sharif@edu.ui.ac.ir

دکتر سید مصطفی شریف

دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

کتاب‌های او عبارت است: ۱- «برنامه‌درسی: گفتمان نظریه، پژوهش و عمل»؛ ۲- «برنامه‌درسی: گفتمان نظریه پژوهش و عمل برنامه‌درسی پیشرفت‌گرا»؛ ۳- «برنامه‌درسی: گفتمان نظریه پژوهش و عمل برنامه‌درسی پست مدرن» و ۴- «برنامه‌درسی: گفتمان نظریه پژوهش و عمل برنامه‌درسی کارایی اجتماعی» و همچنین از او مقالاتی در فصلنامه‌های تعلیم و تربیت، نوآوری‌های آموزشی، مطالعات برنامه‌درسی... چاپ شده است.